

دنیای مجازی، رسانه جهانی، و اخلاق جهان وطنانه

مریم صانع پور*

چکیده

تمرکز مقاله حاضر بر این نکته است که رسانه های جهانی عصر ارتباطات دیجیتال می توانند نقش تعیین کننده ای را در ایجاد صلح، محرومیت زدایی، و توسعه در سراسر گیتی بازی کنند، مشروط به آن که روزنامه نگاران و خبرگزاری های دنیای مجازی به اخلاقی جهان وطنانه ای بند باشند؛ اخلاق جهان وطنانه ای که مبتنی بر یک جهان وطنی فراملی - فرافرهنگی باشد و در عین حال با وطن پرستی های ملی گرایانه منافاتی نداشته باشد. تحقق این امر مستلزم آن است که اصحاب رسانه های جهانی، علائق ملی گرایانه شان را به گونه ای متعصبانه، در تقابل با ملی گرایی سایر هموطنان جهانی شان قرار ندهند. در این مقاله همچنین تمایز «جهانی سازی استعماری» امپریالیسم غربی، با «جهانی شدن پسا استعماری» در عصر ارتباطات، تبیین می شود و با تکریم حیات انسانی و به رسمیت شناختن همه فرهنگها، بر اساس ارزش های مشترک انسانی، یک گفتمان جهان وطنانه برای رسانه های مجازی ترسیم می شود که علائق ملی گرایانه مختلف را در برمی گیرد و نیز صدای محرومان و ستمدیدگان را به گوش عدالت خواهان جهان می رساند تا زمینه مشترک همفکری و همکاری شهروندان دنیای مجازی را در جهت رفع تبعیض ها، گسترش نیکوکارها، و آزادی بیان، در میان ملت های مختلفی که یک وطن واحد جهانی دارند، شکل دهد.

کلیدواژه ها: جهانی سازی استعماری، جهانی شدن پسا استعماری، اخلاق جهان وطنانه، دنیای مجازی، وطن پرستی

* استادیار فلسفه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.saneapour@gmail.com
Saneapour@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

جهان امروزی به واسطه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی دیجیتال به یک دنیای واحد تبدیل شده که از امکانات و اقتضائات نوینی برخوردار است و به همین علت الزامات خاصی را می طلبد. این دنیای واحد به منزله وطن واحدی برای انسانیت مشترک میان ملل و اقوام مختلف تلقی می شود که نیازمند رسانه ای جهانی با رویکردی جهان وطنانه است و بدیهی است که چنین رسانه ای، تعهدی جهانی را نسبت به اشتراکات اخلاقی می طلبد (Ward &..., 2010:13-18) که بر اساس این اخلاق مشترک، سعادت و رفاه انسان ها به عنوان یک کل در نظر گرفته می شود و از نظریه ها و روش های تبعیض آمیزی که برخی از ملل را بر برخی دیگر ترجیح می دهند اجتناب می شود.

بنابراین فضای مجازی به هنجارهایی جهانی برای اخلاق رسانه ها نیازمند است که ملل و فرهنگ های گوناگون و متکثر را - با حفظ هویت های ملی و فرهنگی شان - در یک جهان وطنی فراملی و فرافرهنگی متحد کند زیرا اگر میان شهروندان جامعه جهانی، یک اتحاد مبنایی مبتنی بر اشتراکات انسانی وجود نداشته باشد ارتباطات همزمان و فراگیر کنونی به نزاع های خانمان براندازی در میان ملت های مختلف خواهد انجامید.

آنچه گفته شد از ضرورت وجود یک نظام اخلاقی جهان وطنانه برای اصحاب رسانه، در دنیای دیجیتال حکایت می کند و حال باید پرسید آیا طراحی نظام اخلاقی مزبور امکان پذیر است؟ آیا می توان ملاک های اخلاقی مشترکی برای ارتباطات افراد و جوامع گوناگون در نظر گرفت که مورد پذیرش ملل و اقوامی با فرهنگ ها، ادیان، و آیین های متنوع باشد؟ پاسخ این است که فقط در صورتی طراحی این اخلاق جهان وطنانه برای رسانه های جهانی ممکن است که اخلاق مزبور بر اصل مشترک و فراملی تکریم حیات انسانی متمرکز شود زیرا همه فرهنگ ها و ادیان اخلاق محور در طول تاریخ و عرض جغرافیای بشری، احترام به شأن انسان را، مبنایی ترین پایه عدالت و صداقت اجتماعی معرفی کرده اند.

۲. جهانی سازی استعماری

در گفتمان استعماریدوره روشنگری، استعمارگران غربی، به تحقق عالمی می اندیشیدند که همگان در آن عالم به صورتی یکپارچه، از الگوی اجتماعی - فرهنگی غرب پیروی کنند.

در این تعمیم پذیری الگوی زندگی غربی، بسیاری از کشورها به عنوان مستعمره های کشورهای اروپایی تلقی می شدند که شأن انسانی و هویت فرهنگی - ملی شان، نادیده گرفته می شد. سیاست های امپریالیستی در این دوران به جهانی سازی واحدی می اندیشیدند که هویت های ملی گوناگون در یک هویت جهانی یکپارچه شده از طرف غرب استحاله شود. پس از شکل گیری وسایل ارتباط میان کشورهای مختلف مانند خطوط زمینی و هوایی، گسترش بنگاه های خبری در سطح جهانی، و رواج تلویزیون و سینما، در قرن بیستم فرآیند جهانی سازی غرب سرعت بیشتری گرفت

گی کاندی می نویسد در دوران حاکمیت سیاست های استعماری، جهان به دو بخش «مرفه» و «محروم» تقسیم شده بود و امپریالیسم غربی به گونه ای تک صدایانه ارزش های اروپایی - آمریکایی را در جهان گسترش می داد. در این دوران صدای غیر غربی ها به گوش نمی رسید و شأن انسانی «محرومان» استعمارزده نادیده گرفته می شد. (Gikandi, S., 2005, :622) جهانی سازی تا کنون، در انحصار ساختارها و ارتباطات شبکه قدرت امپریالیسم غربی سازبوده است. (Loomba, Kaul, Bunzl, Burton & Esty: 16 cited in ward & ... 2010: 90-102) دیجیتال امکان شنیدن صدای فرهنگ های غیر غربی نیز فراهم شده است. به این ترتیب در جهت مقابله با هنجارهای استعماری جهانی سازی امپریالیستی، نظریه های پسااستعماری قادرند تا به وضع اصطلاحات جدیدی درباره جهانی شدن سایبری کمک کنند. (Venn, C. 2006: Sage: 12)

چاکرابارتی درباره کلیت بخشی تصویر غربی از انسان و تعمیم دادن آن تصویر به فرهنگ های غیر غربی می نویسد استعمارگر اروپایی قرن نوزدهم فرهنگ های غیر اروپایی را از عقلانیت بی بهره می دانست. اما چاکرابارتی در حالی که قصد ندارد هر چه را اروپایی یا غربی است از میدان خارج کند اما در عین حال معتقد است باید [در چندصدایی دنیای مجازی] از عقلانیت و کرامت انسانی همه جوامع انسانی دفاع شود و نیز باید نظریه های اجتماعی - سیاسی و سنت های غیراروپایی ملت های متنوع جهان احیا شوند. (Chakrabarty, D. 2000, :2-6)

ادوارد سعید هم از اقتدارگرایی همه جانبه غربی ها انتقاد می کند و می نویسد دانشوران اروپایی به گونه ای غیرمنطقی و غیرمنصفانه مردم ناحیه وسیعی از جهان را که دارای فرهنگ ها و تمدن های متنوع آسیایی - خاورمیانه ای بوده اند، عقب افتاده معرفی کرده اند تا

بتوانند آنها را به خدمت بگیرند و استثمار کنند. (Said, Edward, 1978, 288) سعید در کتاب دیگری درباره مسافرت نظریه بومی اروپاییان به کشورهای دیگر نوشت هرچند نظریه‌های بومی می‌توانند به مناطق دیگر مسافرت کنند اما باید از پذیرش بدون دخل و تصرف آنها اجتناب شود تا بحران‌های فرهنگی، اخلاقی، هویتی در سرزمین میزبان رخ ندهد. (Said, 2001, 451) بنابراین نظریه‌هایی که شرایط بومی تولدشان را نادیده می‌گیرند و خود را به‌عنوان یک نظریه جهانی عرضه می‌کنند موجب بحران‌های فرهنگی - هویتی ملت‌های میزبان می‌شوند.

۳. جهانی شدن پسااستعماری

اما امروزه در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات فراگیر و همزمان دیجیتالی، جهان شاهد دورانی پسا استعماری است که جهانی شدن درگفتمانی دیگر تعریف می‌شود؛ گفتمانی که تکثر فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی را به رسمیت می‌شناسد. در این نگرش پسااستعماری، تکریم شأن انسانی نقطه آغاز جهانی شدن محسوب می‌شود و اخلاق رسانه جهانی با ارزش‌هایی مانند صداقت رسانه‌ای و گسترش صلح و همدلی جهانی در یک بسته نرم‌افزاری به نام «تعهد جهانی» شکل می‌گیرد. تارسانه‌های جهانی با امکانات سایبری در خدمت‌رشد و توسعه عموم بشر باشند. گسترش رسانه‌های دیجیتال در جهان کنونی، وطنی جهانی برای ملل مختلف ایجاد کرده است زیرا صدای شهروندان جامعه جهانی را به گوش یکدیگر می‌رساند، مردم سراسر جهان را از وضعیت محرومان استعمارزده آگاه می‌کند، و رفع معضلاتشان را یک وظیفه جمعی معرفی می‌کند. (Sparks, 2007:1) بنابراین در یک جهان وطنی رسانه‌ای، مردم سراسر عالم می‌توانند به ریشه‌یابی نزاع‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بپردازند و زمینه‌های صلح و امنیت جهانی را فراهم کنند. (Ward, Stephen & Wasserman, Herman, (eds), 2010: 84-86)

در شبکه‌های اجتماعی دنیای مجازی صدای همه فرهنگ‌ها به گوش می‌رسد و از این رو باید همه فرهنگ‌های ارزش مدار به رسمیت شناخته شوند و مشترکات اخذ شده از اصل تکریم شأن انسان و تحت عنوان «تعهد اخلاقی نسبت به انسانیت» از طریق رسانه‌های دیجیتال در سطح جهانی توزیع شود؛ تعهدی که فاقد نگرش‌های تبعیض آمیز استعماری است و ظلم و تبعیض را نسبت به هیچ انسانی مجاز نمی‌شمارد. در این رویکرد پسااستعماری می‌توان با دیگران به‌عنوان اعضای برابر شبکه حیات جهانی، وحدت و

انسجامی جهان وطنانه برقرار کرد. (Christians, C. & Nordenstreng, K. (2004:3-28) زیرا تکریم انسانیت مابه الاشتراک همه فرهنگهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی، اعم از دینی و غیردینی است؛ که این ارزش مردم سالارانه، آزادی و برابری همه افراد نوع انسان را به رسمیت می شناسند (South African Government, 1996)

دونگان معتقد است اصل کانتی انسان غایتی دارای مبنای دینی یهودی - مسیحی است که نادیده گرفتن نیازهای اساسی انسانها را اهانت به شأن انسانیت می داند. (Donagan, A., 1977: 15)

اسلام نیز مانند یهودیت و مسیحیت، یکی از ادیان ابراهیمی است که والاترین مقام یعنی جانشینی خدا بر روی زمین را برای انسان تعریف کرده است. علاوه بر تعالیم ادیان ابراهیمی، فرهنگهای بودایی، چینی، هندی و آفریقایی نیز شأن انسان را گرامی داشته اند. بنابراین تکریم شأن انسان ارزش اخلاقی مشترک میان همه فرهنگهای جهانی است که می توان در یک رویکرد جهان وطنانه، تحولات ریشه ای جامعه جهانی را به سمت آن هدایت کرد تا به قول هاروی گولهای رسانه ای، نتوانند موجب تحقیر و محرومیت اکثریت انسانها شوند و به گونه ای استعمارگرانه، تکریم انسان و آزادیش را منحصر به نخبگان اقتدارگرا تلقی کنند. (Harvey, D., 2005:37-38) نوسباوم و فارالی نیز عدم موازنه قدرت در جهان را منجر به تحقیر انسانیت تعریف می کنند و جهانی شدن رسانهها را موجب شکل گیری مناسبات عادلانه قدرت می دانند. (Nussbaum, M.C. & Faralli, C. 2007:145-161)

از آنجا که رسانه های جهانی با مناسبات جهانی قدرت در سطوح اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتبط هستند نباید نظریه شأن انسان را صرفاً در سطحی نمادین و فرهنگی معرفی کرد بلکه این ارزش شهروندی در یک گفتمان جهان وطنانه، باید بر حسب صورت بندی های جغرافیای سیاسی - تاریخی معاصر تعریف شود؛ تا زمینه رفع نابرابری ها در دوره پسا استعماری کنونی فراهم شود. (Dirlik, A. 2005: 579)

به این ترتیب اخلاق جهان وطنانه می تواند با تمرکز بر تکریم شأن انسان، از طریق عاملیت رسانه های جهانی، سازوکارهای خبری سراسردنیا را به سمت تشکیل اراده ای جهانی برای مقابله با تبعیض گرایی حاکمیت های ملی و بین المللی هدایت کند.

مشارکت جهان وطنی رسانه ای با مولفه های پسا استعماری موجب می شود تا با به رسمیت شناختن همه شهروندان جهانی رویکرد اخلاقی یادگیری از مردم، جایگزین رویکرد سوپراکتیو مطالعه مردم شود؛ زیرا در گفتمان استعمارگرانه غربی، شهروندان اصلی

جهان شناسنده های غربی ها؛ و شهروندان فرعی جهان، غیر غربی ها بودند که باید به وسیله شناسنده های غربی مورد ارزیابی قرار می گرفتند. اما تعاملات همزمان دنیای مجازی «حاکمیت بردیگران» را به «مشارکت با دیگران» تبدیل کرده است تا یک چشم انداز پسااستعماری از طریق جهانی شدن ارتباطات بتواند با اقتدارگرایی مدرنیته مقابله، و به جهانی شدن اخلاقی در ارتباطات کنونی کمک کند. ارتباطات بین المللی دیجیتال شرایطی متفاوت با عملکرد رسانه های دوره مدرنیته - که به بازتولید ساختارهای جهانی سازی قدرت امپریالیستی می پرداختند - ایجاد کرده است. هولمز در این باره می پرسد آیا می توان جهانی را تصور کرد که خبری از اقتدار امپریالیستی و انسان های حاشیه ای شده در آن نباشد؟ (Holmes, David(ed)2001,:46)

استیفن وارد معتقد است بر اساس نظریه ادوارد سعید امروزه که امکان مسافرت نظریه ها در فضای سایبری، بیش از هر زمان دیگر فراهم شده است، باید نظریه های اخلاقی جوامع متنوع سراسر دنیا به رسمیت شناخته شوند و مورد مطالعه قرار گیرند، تا وجوه اشتراک شان که قابل تعمیم به فرهنگها و ملیت های دیگر است، مبنای ارتباطات منصفانه و مسالمت آمیز جهانی - ملی قرار گیرد. براین اساس، لازم است تا پژوهشگران رسانه ها از «عقلانیت دوگانه انگار» غربی - که مستلزم استثمار غیرغربی ها است - فاصله بگیرند؛ برای مثال نظریه «آهیمسا»ی گاندی صلح و دوستی رایج ارزش اخلاقی در میان همه جوامع جهانی معرفی می کند. در همین زمینه استیفن وارد و وازرمن با تحلیل «اوبونتوی افریقایی» و «آهیمسای هندی»، نتیجه می گیرند که این قبیل نظریه های غیرغربی با گفتمان اخلاق جهانی در عصر ارتباطات هماهنگ هستند، زیرا ویژگی ذاتی این نظریه های اخلاقی، جمع گرایی آنهاست و بر خلاف اخلاق مدرنیته اروپایی رویکردی انحصارگرایانه و اقتدارگرایانه ندارند بنابراین می توانند پذیرای نظریه های اروپایی نیز باشند. درحالی که اگر قالب اخلاقی رسانه ها در دنیای مجازی از آموزه های اخلاقی دوره روشنگری غرب نشئت گرفته باشد نمی تواند با نظریه های جمع گرایانه ای مانند «اوبونتو» و «آهیمسا» تناسب برقرار کند (Ward & Wasserman, 2010: 99-102). بنابراین در دوره کنونی که ملت های متکثر با وجود هویت های ملی گوناگون، در دنیایی واحد گرد آمده اند و از هویت مشترک جهانی برخوردار شده اند، اخلاقی جهان وطنانه مورد نیاز است تا مسالمت و همدلی در میان فرهنگ ها و ملیت های مختلف جهانی امکان پذیر شود.

دنیای کنونی به واسطه همزمانی ارتباطات و اطلاعات به یک قبیله بزرگ شبیه است که «فوریه» استاد دانشگاه افریقای جنوبی اخلاق افریقای «اوبونتو» را مناسب چنین ساختاری می داند و دلایلش را درباره الگوگیری از نگرش اوبونتو برای اخلاق جهانی به ترتیب زیر ذکر می کند:

۱. نگرش اوبونتوایستی میان ارزش های متکثر فرهنگ های مختلف افریقای همپهنگی برقرار می کند؛
۲. اوبونتوایسم ذاتاً ارتباط گرا است و به همین علت با ذات ارتباطی رسانه جهانی همپهنگ است؛
۳. راهکارهای جمع گرایانه اوبونتو شرایطی مسالمت طلبانه را در تعاملات مجازی ایجاد می کند.

(Fourie.P.J.(2007) cited in Ward & Wasserman,2010:105-119)

در این نگرش قبیله ایزبان حال هر فردی این است که «من هستم زیرا ما هستیم». همان گونه که لئوپولد سنگور (Leopold Senghor) می گوید «من دیگران را احساس می کنم، بنابراین من هستم»

چنانکه ملاحظه می شود جمع گرایی اخلاقی اوبونتو کاملاً نقطه مقابل فردگرایی اروپایی است؛ زیرا آزادی فردی در دموکراسی اروپایی، عملکردی تدافعی در مقابل سایر شهروندان یک جامعه است، در حالی که آزادی فردی اوبونتو، عملکردی همدلانه، نسبت به سایر افراد اجتماع است که چنین رویکردی سهم زیادی در گفت و گو، جامعیت، و مدارا دارد (Shutte.A.2001:8-9)

بنابراین نگرشهای اخلاقی ارتباط گرا، می توانند رسانه های جهانی را به سمت سواد اخلاقی سوق دهند و رفاه، برابری، امنیت و صلح را در سراسر جهان تحقق بخشند. (Christians,C.G.(2000),250-251) که لازمه تحقق سواد اخلاقی مزبور پای بندی رسانه های جهانی به یک نظام اخلاقی جهان وطنانه است تا تنازعات ملی گرایانه، ایشان را از ارزش های انسان دوستانه باز ندارد. لازمه چنین رویکردی عدم تقابل وطن پرستی های ملی گرایانه با نگرش جهان وطنانه است که در این قسمت مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

۴. رسانه جهانی و چالش وطن پرستی ملی

به نظر می‌رسد با جهانی شدن رسانه‌های سایبری، هویت‌های فرهنگی - ملی به مخاطره افتاده‌اند، تا جایی که نظریه پردازان فضای مجازی از «مرگ ملت» سخن می‌گویند، دولت‌های ملی از ترس نابودیشان به فیلترکردن اطلاعات سایبری متوسل می‌شوند و به این ترتیب با زمینه‌های سیال قدرت‌های غیردولتی و فوق ملی مقابله می‌کنند. (Shome,R.2006:1-36)

در گذشته ارتباطات رسانه‌ای بین ملت‌ها یا دولت‌های ملی تعریف می‌شد اما امروزه شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات، قالبی یکپارچه را برای عرضه فرهنگها و ملیت‌های گوناگون شکل داده است. این امر می‌تواند موجب مشاجرات میان فرهنگی شود و وطن پرستی‌های متعصبانه، آتش جنگ را در میان ملت‌های مختلفی که در یک گستره سایبری با یکدیگر جمع شده اند دامن بزند. بنابراین برای طراحی اخلاق جهانی در دنیای مجازی برخی مبانی معرفتی برای ارزیابی «حق» و «باطل» لازم است که رویکرد انحصارگرایانه و اقتدارگرایانه نداشته باشند.

۵. ارزش‌های جهان وطنانه و ارزش‌های ملی وطنانه

امروزه با شکل‌گیری یک دنیای واحد توسط فناوری‌های جدید، همگان اذعان دارند که بدون برخی اصول مبنایی و ثابت اخلاق، در جهانی با متغیرهای فرهنگی گوناگون، نمی‌توان بی‌اخلاقی‌هایی چون آلوده کردن محیط زیست، بمباران‌ها، بمب‌گذاری‌ها، ترورها، و... را در سطحی جهانی محکوم کرد. همچنین بدون پای بندی جهانی به برخی هنجارهای واحد اخلاقی که در و رایسیاست‌های ملی مختلف قرار دارند نمی‌توان بر ضرورت مقابله ملل مختلف جهان، با قدرت‌های استعماری خارجی و نیز حکومت‌های استبداد داخلی شان تأکید کرد.

اما آیا در ارتباطات دنیای مجازی، تناقضاتی میان اخلاق جهان وطنانه و اخلاق ملی رخ نمی‌دهد؟ آیا اصحاب رسانه جهانی که هریک دارای هویت ملی خاصی هستند می‌توانند به طور همزمان، هم یک هویت مشترک جهانی برای خود قائل باشند، و هم از هویت ملی خود دفاع کنند؟ به عبارت دیگر ایشان همزمان باید پاسخگو و گرایش متناقض، یعنی متجانس‌سازی فرهنگی در جهان؛ و مقاومت فرهنگی در برابر بحران هویت

باشند. استفن وارد معتقد است جهت رفع این تناقض، باید نوعی فراملی‌گرایی عرضه شود که بتواند با فرهنگ‌های مختلف ملی و قومی، از مدرن گرفته تا سنتی، و حتی با آیین‌های قبیله‌ای، جمع شود. او می‌نویسد با «هسته هنجاری تقدس حیات انسان» می‌توان تناقض میان اخلاق جهان‌گرایانه و اخلاق ملی‌گرایانه را برطرف کرد. (Ward &... 2010:18-19)

«لی ویکینز» با تأکید بر ضرورت تقید رسانه‌های جهانی به ارزش‌های اخلاق مراقبتی نسبت به همه انسان‌های کره زمین، از تعمیم‌پذیری نظریه «اخلاق مراقبت» سخن می‌گوید. وی همچنین با توجه به جهانی شدن رسانه‌ها در عصر ارتباطات، به ضرورت تعهد به «اخلاق وظیفه» یعنی وظیفه‌گرایی اصحاب رسانه، نسبت به همه انسان‌ها - با هویت‌های ملی مختلف - اشاره می‌کند. ویکینز در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق مراقبت و اخلاق وظیفه» این دو رویکرد اخلاقی را متناسب جهانی بودن ارتباطات رسانه‌ای در دنیای مجازی معرفی می‌کند و تصریح می‌نماید که اخلاق مراقبت مادرانه از فرزندان را می‌توان به مراقبت از انسان‌های سراسر جهان تعمیم داد، زیرا لازمه مراقبت از انسان‌ها احساس و ابراز همدلی با مراقبت‌شوندگان است. (Noddings, 1984/2003) بنابراین در نظریه‌اخلاق جهانی ارتباطات، همدلی متقابل جوامع انسانی نسبت به یکدیگر اهمیت مبنایی دارد. (Wilkins, Lee, cited in ward &... 2010: 29)

استفن وارد در مقاله «نظریه‌ای وطن‌دوستانه برای روزنامه‌نگاری» می‌نویسد نگرش‌های افراطی وطن‌پرستانه با ارزش‌های اخلاقی رسانه جهانی منافات دارد زیرا در دنیای یکپارچه کنونی، رسانه‌های جهانی باید دارای چشم‌اندازی جهان‌وطنانه باشند؛ بنابراین باید در اندیشه نظریه پرداز جدیدی بود که برای روزنامه‌نگاران و سایر اصحاب رسانه، علاوه بر رویکردی ملی‌گرایانه، رویکردی فراملی‌گرایانه و جهان‌وطنانه نیز تدارک دید. ویدر راستای ایجاد و حفظ ارتباطات انسانی و مردم‌سالارانه میان ملت‌های مختلف، و ممانعت از مخاصمات و جنگ‌های سهمگین بین‌المللی، یک نظریه اخلاقی عقلانی و معتدل وطن‌دوستانه را پیشنهاد می‌دهد و می‌نویسد روزنامه‌نگاری در رسانه جهانی، مستلزم ارتقاء دادن «آرمان‌وطن دوستی ملی» به سطح «آرمان‌وطن دوستی جهانی» است. در چنین رویکردی، علائق جهان‌وطنانه به گونه‌ای طرح شده‌اند که اشکال مبتنی بر علائق ملی میهن‌پرستانه را در برمی‌گیرند تا آتش تنازع و تخاصم در میان ملت‌های مختلف ایجاد و گسترده نشود. (Ward & ..., 2010: 42) وطن دوستی معتدلی که استفن وارد پیشنهاد کرده، هماهنگی کاملی با نظریه اخلاقی رسانه‌های جهانی دارد، در این رویکرد وطن‌دوستانه، روزنامه‌نگاران جهانی،

اطلاع‌رسان‌های نقادی هستند که وطن‌دوستیهای ملی را براساس اصولی چون جامعیت، عقلانیت و وطن‌دوستی جهانی‌مورد ارزیابیو نقادی قرار می‌دهند.

تاریخ گذشته جامعه بشری همواره آکنده از نزاع‌ها و جنگ‌های خانمان‌برانداز میان ملت‌های مختلف بوده است و این حوادث تلخ موجب شده تا ملت‌های مختلف تحت عنوان وطن‌پرستی، در عوض همکاری و مشارکت با سایر ملل و جوامع جهت ساختن دنیایی آباد و امن، به تخریب امکانات مادی و معنوی جهان بپردازند. برای مثال فقط در طول قرن گذشته، بیش از صد میلیون انسان در نزاع‌های وطن‌پرستانه کشته شدند. تولستوی (۱۹۸۷) نوشت: تا کنون در سراسر جهان، دریاهایی از خون، با شور وطن‌پرستی پرشده‌اند و در آینده نیز این اتفاق خواهد افتاد مگر اینکه مردم از این وطن‌پرستی باستانیمنصرف شوند. (ibid:142)

به طور کلی در باره وطن‌پرستی باید پرسید:

- آیا وطن‌پرستی، احساسی‌لجام‌گسیخته و افراطی است یا لازمه حیات ملت‌های متمدن می‌باشد؟

- آیا اصولاً وطن‌پرستی‌های نزاع‌برانگیز با ارزش‌های اخلاقی جمع می‌شوند؟

دو سوال فوق از مسائل چالش‌برانگیز اخلاق رسانه هستند؛ خصوصاً رسانه‌های خبری، عموماً بر محور وطن‌پرستی می‌گردند. بنابراین لازم است در اینجا به انواع مختلف وطن‌پرستی اشاره شود.

۶. انواع وطن‌پرستی‌های ملی

دو نوع وطن‌پرستی وجود دارد:

۱) وطن‌پرستی اجتماعی؛ که بر وطن‌پرستی سیاسی‌تقدم دارد. زیرا قبل از این که نظام‌های سیاسی در جوامع بشری تأسیس شوند، بومی‌های سرزمینی نسبت به سرزمین، قبیله، دهکده، زبان و رسوم شان وابسته و وفادار بودند. این احساس وابستگی و وفاداری، وطن‌پرستی اجتماعی نامیده می‌شود. بنابراین وطن‌پرستی اجتماعیدارای ویژگی احساسی، دوستانه، و وفادارانه است، زیرا مبتنی بر پیوند مستقیم اشخاص با مردم و سرزمین شان می‌باشد. وطن‌پرستی اجتماعیدر آتن و یونان باستان حاصلعشق شهروندان به سرزمین پدران شان بود که این گونه وطن‌پرستی، باعث می‌شد تا هموطنان آرزوی خیر

مشترک برای یکدیگر داشته باشند. در فرهنگ قرون وسطا، وطن پرستی اجتماعی تا سطح عشق به یک شهر آسمانی یعنی بهشت ارتقا پیدا کرد. این گونه وطن پرستی بر اساس عشق مقدس شهیدان به شهر آسمانی شان تعریف می شد؛ عشقی که متعالی تر از عشق زمینی افراد به سرزمین پدری شان بود.

۲) وطن پرستی سیاسی؛ که عبارت است از علاقه‌انسان ها به ارزش‌ها، ساختارها و آرمان‌های سیاسی سرزمین مادریشان که این شکل از وطن پرستی در قالب حقوق و قوانین شهروندی خاصی تعریف شده است. بر این اساس وطن پرستی مردم شوروی در جنگ سردشان با غرب، از نوع وطن پرستی سیاسی و تحت تأثیر ایدئولوژی های خاص سیاسی معرفی می شود که چیزی بیش از یک وطن پرستی اجتماعی نسبت به سرزمین مادری شان است. نظریه وطن پرستی سیاسی در دوره رنسانس، توسط برونی (Bruni) و ماکیاولی (Machiavelli) ارائه شد که موضوع وطن پرستی شان، دولت شهر ایتالیایی بود. این نظریه های وطن پرستانه به حفظ «آزادی و خیرمدنی» برای حکومت‌های ملی می اندیشیدند. از قرن هفدهم به بعد اما وطن پرستی سیاسی در اروپا، به معنای وفاداری به شخص پادشاه تلقی می شد. اما بعدها وطن پرستان سیاسیبه اشخاصی اطلاق شد که به دنبال ایجاد و گسترش «رفاه مشترک» برای همه شهروندان سرزمین پدریشان بودند. در دائرةالمعارف دیدرو (Diderot) وطن در معنای یک «دولت آزاد» تعریف می شود که قوانین این دولت، آزادی و شادی شهروندان را تأمین می کند و به آنها اجازه می دهد در حیات عمومی آن جامعه مشارکت کنند.

بعدها جان استوارت میل هشدار داد که «ملی گرایی به معنای یک تعصب بی دلیل نسبت به وطن، و نیز برخوردهای تنازعی و تقابلی با غیرهموطنان نیست» زیرا همانگونه که در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است، وطن پرستی های سیاسی متعصبانه، ضررهای غیرقابل جبرانی را به ساکنان سراسر جهان تحمیل کرده است به عنوان مثال آسیب‌های جنگ جهانی اول و دوم، محافظه‌کاران را به انتقاد از وطن پرستی سیاسی - که ملت‌ها را درگیر جنگ و رویارویی هلاکت بار با یکدیگر کرد- واداشت. در نتیجه این منتقدان وطن پرستی سیاسی، یک نظریه ملی گرایی مشترک حداکثری را ارائه دادند که مبتنی بر برتری نژادی بود. (36: 2005, Lakacs & Ward... 2010: 43-48) در این معنا وفاداری به یک ملیت یا وطن سیاسی خاص، به جنگ‌هایی جهت پاکسازی نژادیمی انجامید؛ جنگ‌هایی که به منظور اخراج اقلیت‌های دینی و قومی از میان یک ملت

خاص درمی‌گرفت. اما سرانجام پس از پیامدهای فاجعه بار جنگ دوم جهانی، نظریه‌پردازانی مانند هابرماس فقط برای شکلی از وطن‌پرستی سیاسی اعتبار قائل شده‌اند که به دنبال تحقق آن آزادی و دموکراسی است که در قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان ذکر شده است.

۱.۶ ویژگی‌های اخلاق وطن‌پرستانه

اخلاق وطن‌پرستانه را می‌توان به دو صورت ترسیم کرد:

الف) اخلاق «وطن‌پرستیا فراطبی» با ویژگی‌های زیر:

۱. علاقه افراطی به یک سرزمین خاص به‌عنوان برترین سرزمین
۲. حمایت افراطی و غیرمنطقی از برتری‌های وطن‌پرستانه بر مبنای ملی‌گرایی افراطی

ب) اخلاق «وطن‌پرستی معتدل» با ویژگی‌های زیر:

۱. علاقه به یک سرزمین خاص با اجتناب از انحصارگرایی
 ۲. علاقه و تلاش در جهت رشد و رونق سرزمین ملی
 ۳. حمایت و پی‌گیری اخلاق مدارانه اهداف ملی
 ۴. حمایت مشروط و نقادانه نسبت به سرزمین ملی (cited in Ward&...2010:43-)
- (48Nathanson, 1993: 38, 55)

بنابراین در رویکرد اخلاقی وطن‌دوستی معتدل، سرزمین ملی فقط یکی از چند موضوع وفاداری اشخاص اخلاق مدار است؛ در این رویکرد وطن‌دوستانه فقط اکیداً از تعصب افراطی و غیر معقول نسبت به برتری سرزمین مادری شان در مقابل سایر سرزمین‌ها، احتراز می‌کنند؛ بلکه علائق وطن‌دوستانه مردم سرزمین‌های دیگر را نیز پاس می‌دارند.

۲.۶ ارزیابی اخلاق وطن‌پرستانه

پس از تعریف ویژگی‌های اخلاق وطن‌دوستانه، چگونگی ارزیابی وظیفه اخلاقی در این شرایط، مورد پرسش قرار می‌گیرد. زیرا در این رویکرد تأکید بر آسایش و رفاه هموطنان و عشق به ایشان از اهمیتی اساسی برخوردار است. در عین حال این علائق میهن‌پرستانه

دنیای مجازی، رسانه جهانی، و اخلاق جهان وطنانه ۱۹۱

به هیچ وجه تعصبات مخربی را که موجب تخاصم با غیرهم میهنان می شود،
موجه نمی سازد. (Cottingham, 1986: 57-58 cited in Ward&...2010:43-48)

سؤالاتی که در این باره مطرح می شوند عبارتند از:

- آیا رفتارهای متعصبانه وطن پرستان افراطی با اصول اخلاقی مغایرت ندارد؟
 - وفاداری افراط گرایانه به یک موقعیت خاص به چه نتایج خواهد انجامید؟
 - آیا تعصب وطن پرستان افراطی، موجب احقاق حقوق انسانی و ادای تکالیف می شود یا تضییع حقوق و ممانعت از وظایف را به دنبال خواهد داشت؟
 - آیا وطن پرستی متعصبانه می تواند خواسته های یک جامعه دموکراتیک و مردم سالار را برآورده کند یا فقط به برقراری یک حاکمیت اقتدارگرا و دیکتاتور منجر می شود؟
- در پاسخ باید گفت در یک نظام مدنی، ادعای وطن پرستانه، ادعایی اخلاقی و عقلانی است، اگر و فقط اگر:

۱. در یک فراگیری مدنی، به تحقق حقوق و آزادی های همه شهروندان توجه داشته باشد؛ زیرا اگر تعصب وطن پرستانه به طرفداری یا سرکوب عده ای از شهروندان منجر شود به هیچ روی معقول و اخلاقی تلقی نمی شود.
۲. اشکال افراطی وطن پرستی و ملی گرایی - که مستلزم مقابله با غیر هموطنان است - ممنوع باشد، زیرا لازمه روش های معتدل وطن دوستانه، ارتباطات منصفانه با مردم سرزمین های دیگر است بنابراین نمی توان به بهانه وطن پرستی به حقوق بین المللی افراد تجاوز کرد.
۳. ادعای وطن دوستانه، نظارت عمومی را طلب کند و پذیرای انتقادهای سازنده دیگران باشد که این ارزیابی های مستمر اجتماعی فقط با گسترش آگاهی و آزادی بیان در رسانه های جمعی، ممکن خواهد بود.

(Ward&Wasserman,2010:43-48 به نقل از صانع پور، ۱۳۹۵:۲۲۱)

۷. اخلاق جهان وطنانه و رسانه های جهانی

در جهان وطنی اخلاق مدارانه، هم اصول مدنی و برابری شهروندان رعایت می شود، و هم در کنار این علائق ملی، به همه مردم جهان، یعنی همه شهروندانی که در پی تحقق خیر عمومی هستند، عشق ورزیده می شود، زیرا وطن دوستان اعتدال گرا علاوه بر جامعه ملی

خود، جامعه جهانی را نیز به رسمیت می شناسند و ارج می نهند. در این گفتمان جهان‌وطنانه، «آزادی»، «برابری»، «مشارکت سیاسی - اجتماعی»، و «مردم سالاری» همه جوامع انسانی اهمیت دارد. در این گفتمان اخلاقی، ارتباط با غیرمواطنان نیز مبتنی بر اصول دموکراتیک است و در همین راستا، رسانه های جهانی به طراحی نهادها می پردازند، آموزش عمومی را گسترش می دهند، زمینه های تصمیم‌گیری عمومی را فراهم می کنند، به تشویق و تبلیغ ارزش های انسانی در سراسر جهان می پردازند، و ارتباطات رسانه ای را محملی برای مردم‌سالاری جهانی قرار می دهند.

اگر رسانه های جهانی به اخلاق جهان‌وطنانه پای بند باشند، آموزشهای مردم‌سالارانه را در سراسر جهان محقق می کنند، زیرا فراگیر شدن آموزش های جهانی به تقویت قدرت تحلیل، ارزیابی، و نقادی شهروندان در کلانشهر جهانی منجر می شود و از این طریق قدرت انتخاب های پیش برنده، در نظام های اجتماعی جهانی تقویت خواهد شد. بر اساس اخلاق جهان‌وطنانه، دموکراسی به مشارکت ملت ها در منافع متعارض با ملت های دیگر منحصر نمی شود؛ بلکه به معنای مشاوره درباره خیر مشترک شهروندان جهانی، و مشارکت در تحقق آن خواهد بود و این تعمیم بخشی اندیشه و عمل خیرخواهانه در سراسر دنیای واحد، فقط با وساطت روزنامه نگاران جهانی و سایر اصحاب رسانه های جمعی انجام پذیر است. پوتنام Putnam, 1992 در این باره می نویسد ما نویسندگان امروزه به جهانی شدن ارزش های آزادی خواهانه، سیلان اطلاعات مختلف، آزادی تبادل اطلاعات، انتقاد همه اندیشه ورزان جهانی از فرضیه های سیاسی علمی موجود، و نیز انتقاد همه مردم جهان از فرضیه های ژورنالیستی نیاز داریم.

به این ترتیب به نظر می رسد در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات توسط فناوری های دیجیتال، مهم ترین هنجار اخلاقی در رسانه های جهانی، ضرورت شکل‌گیری گفتمانی معتدل از وطن‌دوستی است تا بتواند گفتمان جهان‌وطنانه را در خود جای دهد تا تعصبات افراطی وطن پرستانه، موجب نزاع ملت های مختلف با یکدیگر نشود و در نتیجه امکان همبستگی ملت های مختلف در جهت ارتقا و پیشرفت همگرایانه و هم افزایانه جهانی فراهم شود. به بیانی دیگر، وطن‌دوستی مردم‌سالارانه ای که با فهم عقلانیت اصول اخلاق ارتباطی همراه است، قادر خواهد بود تا وطن‌دوستی و وفاداری متعادل و غیرمتعصبانه ملل مختلف را نسبت به خیر مشترک همه شهروندان جامعه جهانی را گسترش دهد. (صانع پور، ۲۱۷:۱۳۹۵-۲۱۸)

«وارد» در این باره می‌نویسد من نیز مانند دور (Dewey) معتقدم که مردم‌سالاری بهترین و قوی‌ترین شکل حیات اجتماعی است، زیرا از طرفی مبتنی بر رشد جوامع انسانی می‌باشد و از طرف دیگر مستلزم به کارگیری عقلانیت جمعی در جهت حل مشکلات جامعه است. بنابراین این دموکراسی‌هم مردم را متوجه توانایی هایشان می‌کند و هم به آنان می‌آموزد که چگونه استعدادهایشان را به فعلیت برسانند تا قادر شوند به قول جان استوارت میل با «تجربیات زندگی کردن» درگیر شوند. (Mill, 2006: 65) بر این اساس آسایش و رفاه مردم‌سالارانه به معنای ایجاد زمینه‌های پیشرفت همه شهروندان جامعه، توسط ساختارهای حمایتی سیاسی است، تا شهروندان قادر شوند آنچه را که جان راولز «دموکراسی ساختاری منظم» می‌نامد، ارزیابی کنند. بنابراین نظریه عدالت راولز، آزادی و فضیلت فقط بابرقراری عدالت اجتماعی امکان گسترش خواهد داشت. در این تعریف مردم‌سالارانه، وطن‌دوستی، ارتباطی فراگیر با نهادهای آزادیخواهانه برقرار می‌کند تا امکان شکوفایی آنچه راولز «تکثرگرایی معقول فلسفه‌های حیات» می‌نامد فراهم شود. (Rawls, 1992: 36)

در یک جامعه جهانی مردم‌سالار، وطن‌دوستی‌های متنوع ملی با تعهد به اخلاق مداری و تعادل‌گرایی می‌توانند در پی ایجاد و توسعه حیات مدنی و نیز برقراری عدالت و خیر، هم در جامعه ملی خود و هم در جامعه جهانی باشند. بنابراین در یک گفتمان جهان وطنانه، حیات مردم‌سالارانه، اصول وحدت و انسجام را به گونه‌ای فرازمانی و فرامکانی، در میان شهروندان جامعه، اعم از ملی یا جهانی، تأمین می‌کنند؛ وحدتی که بر حقوق مشترک، استعدادهای مشترک، و آرزوهای مشترک انسان‌های سراسر جهان، مبتنی است. زیرا در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات، همگانی شدن هنجارهای اخلاقی ضروری می‌نماید؛ و همین امر، مستلزم ایجاد یک جامعه مردم‌سالار جهانی است. بنابراین تحقق این آرمان اخلاقی، نیازمند شکل‌گیری نوعی از «وطن‌دوستی جهانی» در میان اصحاب رسانه‌های جمعی است تا تحقق و گسترش خیر و عدالت عمومی امکان‌پذیر شود. روشن است که این وطن‌دوستی جهانی، باید بر اصول عقلانی و آرمان‌های اخلاقی بنا شود.

در عین حال گفتمان جهان وطنانه مزبور نمی‌تواند با وطن‌دوستی ملی در تعارض باشد زیرا هرگز نمی‌توان و نباید منکر علاقه ملت‌های مختلف رابه سرزمین مادریشان شد. اما باید توجه داشت که در جهان یکپارچه کنونی، شایسته نیست که این

وطن پرستی ملی دارای خصوصیتی متعصبانه و عوام‌فریبانه باشد، بلکه باید رویکردی متعادل و اخلاق محورانه داشته باشد. اخلاق رسانه های جهانی، با رویکرد متعصبانه به وطن پرستی ملی منافات دارد زیرا این رویکرد به تقابل ملت ها با یکدیگر و نابودی سرزمین ها منجر می شود (صانع پور، ۱۳۹۵: ۲۱۸-۲۱۹).

به بیانی دیگر رسانه های جهانی در عصر ارتباطات دیجیتال نیازمند التزام به اخلاقی جهان وطنانه هستند که مغایرتی با وطن دوستی ملی در رویکردی اعتدال گرایانه، نداشته باشد. این ارزش های اخلاقی قادرند که با جمع کردن میان وطن دوستی ملی و وطن دوستی جهانی، موجب توسعه یک فرهنگ نظام مند مدنی در جهان شوند، به گونه ای که ملت های متکثر و متنوع سراسر دنیا، شهروندان یک جامعه واحد جهانی با حقوق برابر انسانی تلقی شوند؛ تا ارزش های مشترک انسانی به همراه اصول اخلاقی سیاسی جهانی، توسط رسانه های فراگیر دیجیتال در سراسر جهان ترویج شوند. و در نتیجه تعهد ملی وطن دوستان ملی گرا - در رویکردی معتدل - نه فقط ناظر به مردم سرزمین مادری شان، بلکه ناظر به خیر مشترک همه افراد نوع انسان باشد؛ به گونه ای که هر یک از این وطن دوستان، وطن ملی اش را قسمتی از وطن جهانی اش تلقی کند. در این صورت عشق ورزی به وطن ملی نه فقط مغایرتی با عشق ورزی به وطن جهانی نخواهد داشت، بلکه تقویت کننده آن نیز خواهد بود. در چنین گفتمانی منافع سرزمین ملی یا سرزمین مادری، در تقابل و تعارض با منافع سرزمین های دیگر نیست.

امروزه با گسترش شبکه های اجتماعی جهانی می توان از روزنامه نگاران فضای مجازی پرسید آیا در وطن پرستی شان افراطی هستند؟ آیا از اصول کلی اخلاقی تخلف می کنند؟ آیا به دنبال ترفیع یک جامعه آزادخواه و مردم سالار هستند؟ در چنین فضایی، متخصصان رسانه های جمعی همچنین باید در مقابل فشارها و ادعاهای متعصبانه وطن پرستان افراطی ایستادگی کنند.

در فضای جدید اطلاعات و ارتباطات جهانی، اصحاب رسانه و روزنامه نگاران که گرایش های اخلاقی دارند با استفاده از فراگیری رسانه ها در سراسر جهان، به گسترش عدالت و خیر مشترک میان مردم سراسر گیتی کمک می کنند. در شرایط جهانی شدن رسانه های دیجیتال، روزنامه نگاران باید در روشی متفاوت از روش وطن پرستان متعصب و افراطی، با شهروندان دنیای مجازی سخن بگویند، زیرا بر مبنای گفتمان اخلاقی رسانه، وظیفه اصلی اصحاب رسانه در فضای مجازی فقط ارائه خدمات به مشتریان کالا، عرضه

انواع سرگرمی‌ها و تفریحات، یا پیش‌بینی آب و هوا نیست، بلکه عملکرد اصلی روزنامه‌نگار جهان مجازی، برقراری و گسترش ارتباطاتی است که شهروندان جهانی را به‌عنوان یک کلیت سیاسی، ایجاد، پشتیبانی و توانمندی کند و با پرسش از اصول و فرایندهای ضروری جامعه جهانی، موجب رشد و ارتقای شهروندان می‌شود. بنابراین شایسته است روزنامه‌نگاران فضای سایبری با انگیزه‌های وطن‌دوستانه متعادل، برای اعاده آزادی‌های مبنایی و حقوق انسانی شهروندان جهانی نیز تلاش کنند و عقلانیت و حقیقت‌جویی را در سراسر عالم ترفیع بخشند. این روزنامه‌نگاران وظیفه دارند در مشاوره‌های مردم‌سالارانه تعاملی، زمینه‌های تحلیل نقادانه را گسترش دهند تا فضای رسانه‌ای دنیای مجازی، فضایی اخلاقی شود. در این رویکرد اخلاقی و جهان‌وطنانه، به کلانشهر مجازی، جایی برای وطن پرستی‌های متعصبانه و افراطی وجود ندارد بلکه برای پیشگیری از نزاع‌های خانمان‌برانداز میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، همواره خیر مشترک همه شهروندان جهان در نظر گرفته می‌شود و از این‌رو گزارش‌های روزنامه‌نگاران اخلاق‌مند در فضای رسانه‌ای دنیای مجازی، صادقانه، حق‌محورانه، عدالت‌طلبانه و مسالمت‌جویانه است (صانع پور، ۱۳۹۵: ۲۲۱-۲۲۲).

به طور خلاصه، وظایف اصحاب رسانه در کلانشهر سایبری بر اساس اخلاق جهان‌وطنانه عبارتند از:

۱. تأمین و عرضه اطلاعات برای همگان در مدلی فهم‌پذیر، دقیق و مستقل؛
 ۲. هشدار درباره سوءاستفاده از قدرت.
 ۳. تقویت صدای ضعیفان و محرومان برای مقابله با ستمگران؛
 ۴. ایجاد یک میدان مشترک برای همفکری و همدلی شهروندان دنیای مجازی با وجود تنوع دیدگاه‌ها؛
 ۵. تقویت منصفانه صدای اقلیت‌های دینی، نژادی، و قومی، متناسب با شرایط جامعه کثرت‌گرای جهانی؛
 ۶. هدایت شهروندان جهانی به سمت نیکی و نیکوکاری؛
 ۷. مردم‌سالاری مشورتی و ایجاد فضای آزاد و بی‌طرف در رسانه‌های خبری و انتقادی.
- ملاحظه می‌شود که این اخلاق‌گرایی جهان‌وطنانه رسانه‌ها، در تقابل با رویکرد وطن‌پرستانه و افراطی رسانه‌ها قرار دارد، زیرا در وطن‌پرستی افراطی، رسانه‌ها آزاد نیستند؛ فشارهای زیادی بر اصحاب رسانه اعمال می‌شود تا به بهانه وطن‌پرستی از حاکمیت‌های

سیاسی انتقاد نکنند؛ و همواره لبه تیز انتقادشان به طرف ملت‌های دیگر باشد.
(Ward&Wasserman, 2010:43-50 به نقل از همان: ۲۲۲-۲۲۳)

چنانکه گذشت رسانه‌های دیجیتال کنونی، نیازمند یک چشم‌انداز جهان‌وطنانه مبتنی بر تکریم شأن انسان و گسترش خیر انسانی هستند. زیرا برخلاف روزنامه‌نگاری وطن پرستانه- که علائق ملی‌گرایانه را بر فضائل اخلاقی ترجیح می‌دهد، روزنامه‌نگاری جهان‌وطنانه به صلح‌طلبی جهانی پای‌بند است؛ و از این‌رو به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی جهان‌شمول می‌اندیشد. زیرا در کلانشهر سایبری همه انسان‌ها شهروند اصلی تلقی می‌شوند، بنابراین اعتقادات و مقدسات شان محترم است. اما مشاهده می‌شود که رسانه‌های جهانی، امروزه با تعصبات ملی‌گرایانه افراطی شان موجب شکستن حرمت‌ها می‌شوند. اما اگر اخلاق جهان‌وطنانه بر رسانه‌های دنیای واحد دیجیتال حاکم شود به قول سعدی بنی آدم را اعضای یک پیکرمی بیند و تحقیر و حرمت شکنی هیچ یک را بر نمی‌تابد. تسری اخلاق جهان‌وطنانه در میان روزنامه‌نگاران سایبری موجب خواهد شد تا تعهدات اخلاقی خاصی در میان همه افراد و جوامع عمومیت یابد تا هیچ گروهی فرعی و حاشیه‌ای تلقی نشود؛ و این اصل اخلاقی، معیاری عام برای ارزیابی اخلاق اجتماعی دولت - ملت در سطحی جهانی می‌باشد. زیرا همه تمایزات ملی، قومی، دینی، طبقاتی، نژادی و جنسیتی فرع بر انسانیت افراد هستند. اخلاق جهان‌وطنانه بر اصول کلی احترام و آزادی برای همه افراد نوع بشر بنا شده است؛ در این معنا احترام به توانایی‌های عقلانی اخلاقی همه افراد نوع انسان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها ضروری است، زیرا همه افراد جامعه بشری آرزوها، آسیب‌پذیری‌ها، توانایی‌ها و رنج‌های مشترکی دارند. از این‌روست که دیدگاه‌های جهان‌وطنانه به هویت و مسئولیت‌پذیری همه انسان‌ها می‌اندیشند. پس می‌توان ادعا کرد هویت جهان‌وطنانه، مهم‌ترین و اولین هویت هراسانی است، زیرا معنای عام و مشترکی از «خویش‌تن» و «هویت اخلاقی» آدمی را ارائه می‌دهد که مهم‌تر از اطلاعات مخصوصی است که درباره محل تولد، طبقه اجتماعی یا ملیت افراد ارائه می‌شود. بنابراین، «جهان‌وطن‌گرایی» بیانگر تعهدات اخلاقی انسان نسبت به کسانی است که هرچند آنها را نمی‌شناسد، اما به دلیل انسانیت مشترک، رنج‌هایشان را لمس می‌کند و در صدد رفع محرومیت شان است. علاوه بر این ویژگی اولیه جهان‌وطن‌گرایی، ویژگی ثانویه جهان‌وطن‌گرایی، توجه فزاینده به نقش تعیین‌کننده دولت‌ملی در یک دهکده جهانی است. به این معنا که هر شهروندی با هویت ملی - محلی

خاص خود باید پاسخ نیازهای مبنایی اش را دریافت کند تا توانایی هایش توسعه یابد. در این نظریه، به تعهدات شهروندان نسبت به ملت‌های دیگر به‌ویژه نسبت به ملت‌های توسعه‌نیافته نیز توجه شده است؛ تعهداتی که جهانی و فراملی هستند.

این نظریه جهان‌وطنانه منافاتی با وطن دوستی ملی ندارد و عشق مردم را به خانواده و کشورشان نفی نمی‌کند، هم‌چنین فرهنگ‌ها و سنت‌های ارزشمند بومی را انکار نمی‌کند بلکه این نظریه، وفاداری اصلی شهروندان فضای مجازی را وفاداری به جامعه بشری معرفی می‌کند چنانکه سقراط معتقد بود ما همزمان در دو جامعه زندگی می‌کنیم: جامعه محل تولدمان و جامعه مشترک انسانی مان بنابراین نباید به خود اجازه دهیم در هیچ‌یک از این دو جامعه، حقوق مشترک انسانی را پایمال کنیم زیرا هنگامی که نزاعی با اصول مبنایی زندگی مشترک انسانی وجود نداشته باشد، زندگی محلی نیز به‌صورت مطلوب تری ادامه می‌یابد. به این ترتیب رویکرد جهان‌وطنانه با ترسیم حلقه‌ای وسیع از اصول اخلاقی، وابستگی‌های کوتاه‌نظرانه و متعصبانه را محدود می‌کند درعین حال علائق منطقی‌افراد یک ملت را نسبت به کشورشان یا هموطنان شان را نه تنها انکار نمی‌کند بلکه آنها را ارزشمند می‌داند. نوسباوم معتقد است در عصر ارتباطات جهانی، باید علائق جهان‌وطنانه جایگزین وطن‌پرستی‌های افراطی و سیاست‌های تفرقه‌انگیز تبعیض‌میان ملت‌ها شود (Nussbaum, M.C. 1996:4) زیرا نگرش جهان‌وطنانه قادر است وطن‌دوستی‌های ملی‌گرایانه را نیز در خود جای دهد. زیرا هم بر اشتراکات انسانی هموطنان جهانی، تأکید می‌کند و هم تفاوت‌های فرهنگی ملیت‌های مختلف را به رسمیت می‌شمارد (ibid: xvi-xvii).

براساس شرایط جدید ارتباطی در فضای مجازی امروزه اخلاق رسانه نیازمند تغییر است، زیرا گستردگی همزمان اطلاعات و اخبار از طریق رسانه‌های دیجیتال، طراحی یک قالب فراگیر اخلاق رسانه را ضروری ساخته تا علائق و آرزوهای اخلاقی شهروندان جهانی محقق شود. بنابراین، باید به دنبال اصولی حداقلی برای رسانه‌های خبری در دنیای مجازی بود. بدیهی است از یک پایگاه نظری بومی، نمی‌توان به طراحی این اصول اخلاقی همت گماشت، زیرا چنین عملی موجب اصلی شدن آن پایگاه بومی، و فرعی شدن دیگران خواهد شد. بنابراین، برای ایجاد شرایط گفت و گوی وسیع‌تر اخلاقی باید براساس مشترکات دیدگاه‌های نظری موجود عمل کرد تا آگاهی اخلاقی جدیدی شکل گیرد که همه انسان‌ها به اقتضای اشتراکات انسانی‌شان در آن آگاهی سهم داشته باشند؛ در این صورت حرکت باید از یک نظریه فراحاشیه‌ای آغاز شود و براساس یک مقیاس جهانی، به

سمت آگاهی از فضیلت‌های اخلاقی یا عقلی پیش رود، زیرا یک اخلاق جهانی در فضای مجازی نمی‌تواند بر جزمیت یک فلسفه اخلاقی خاص مبتنی باشد بلکه باید به دیدگاه‌های اخلاقی متنوع در دنیای مجازی توجه کند و با توجه به تنوع این دیدگاه‌ها، از قضایای هنجاری حداقلی آغاز کند تا بتواند همه دیدگاه‌ها را پوشش دهد. «برونو» می‌نویسد در این هنجارهای اخلاقی نباید هیچ‌یک از علائق و منافع (بعضاً متعارض) ملیت‌های مختلف حذف شود، بنابراین چه راهی برای مشارکت در یک اخلاق جهانی وجود دارد؟ وی پاسخ می‌دهد از این چشم‌انداز، اخلاق رسانه نباید از ارزش‌های جزیی اخلاقی آغاز کند، زیرا این ارزش‌ها نمی‌توانند آگاهی اخلاقی مشترک را در میان ملیت‌های مختلف شکل دهند بلکه موجب می‌شوند تفاوت نظریه‌های دینی، سیاسی و فرهنگی به سرعت میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان رسانه نزع و چالش منجر شود؛ برای مقابله با چنین معضلی بنابراین باید از پیشنهادهای کلی سنت ارسطویی درباره گسترش فضیلت و خیر به عنوان مشترکات اخلاقی همه افراد و جوامع آغاز کرد. (Bruno Latour, 2004: 40 cited in Ward&Wasserman, 2010: 29) برونو به این ترتیب اصول مشترک اخلاقی از قبیل خیر و فضیلت را برای شهروندان دنیای مجازی با وجود تنوع ملیت‌هایشان پیشنهاد می‌کند؛ اصول مشترکی که باید در یک گفتمان جهان‌وطنانه طراحی شود.

۸. نتیجه‌گیری

در این مقاله استدلال شد که ارتباطات فراگیر و همزمان فضای مجازی، دنیای واحدی را شکل داده است که وطن پرستی‌های ملی‌گرایانه با رویکردهای افراطی و متعصبانه موجب فراگیری نزاع‌های خانمان برانداز و مهلک در میان ملل و قومیت‌های مختلف خواهد شد. از این رو شایسته است تا اصحاب رسانه‌های جهانی اخلاق جهان‌وطنانه را الگوی ارتباطات و اطلاعات خود قرار دهند تا با تعهد نسبت به «هسته هنجاری تقدس حیات انسان» بتوانند تناقض میان اخلاق جهان‌گرایانه و اخلاق ملی‌گرایانه را برطرف کنند. از جمله مولفه‌های اخلاق رسانه‌های جهان‌وطنانه پای بندی به اخلاق مراقبتی و اخلاق وظیفه نسبت به همه هموطنان جهانی است. در این گفتمان جهان‌وطنانه، «آزادی»، «برابری»، «مشارکت سیاسی - اجتماعی»، و «مردم‌سالاری» همه ملت‌ها و قومیت‌ها اهمیت دارد. رویکرد جهان‌وطنانه اصحاب رسانه موجب می‌شود تا رسانه‌های جهانی آموزش عمومی را گسترش دهند، زمینه‌های تصمیم‌گیری عمومی را فراهم کنند، به تشویق

و تبلیغ ارزش های انسانی در سراسر جهان پردازند، و ارتباطات رسانه ای را محملی برای مردم سالاری جهانی قرار دهند. اگر رسانه های جهانی به اخلاق جهان وطنانه پای بند باشند، آموزش های مردم سالارانه را در سراسر جهان تحقق می بخشند تا قدرت تحلیل، ارزیابی، و نقادی شهروندان در کلانشهر جهانی ارتقاء یابد و از این طریق قدرت انتخاب های پیش برنده، در نظام های اجتماعی جهانی تقویت شود. بر اساس اخلاق جهان وطنانه، دموکراسی به مشارکت ملت ها در منافع متعارض با ملت های دیگر منحصر نمی شود؛ بلکه درباره خیر مشترک شهروندان جهانی، گفتگو و مشاوره های جهانی شکل خواهد گرفت زیرا جهانی شدن ارزش های آزادیخواهانه، سیلان اطلاعات مختلف، آزادی تبادل اطلاعات، انتقاد همه اندیشه ورزان جهانی از فرضیه های سیاسی علمی موجود، به جهانی بهتر و پربارتر منجر خواهد شد. جهانی که همه ظرفیت های انسانی در آن سهم دارند. این تعمیم بخشی اندیشه و عمل خیرخواهانه در سراسر دنیای واحد، با وساطت روزنامه نگاران و اصحاب رسانه های جمعی انجام پذیر خواهد بود.

کتابنامه

صانع پور، مریم، (۱۳۹۵) چندصدایی اخلاقی در دنیای مجازی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Chakrabarty, D. (2000), *Provincialising Europe*, Chicago: University of Chicago Press .
- Christians, C. G. (2000) *Social dialogue and media ethics*, *Ethical Perspectives*, 7(2-3), 182-193
- Christians, C. & Nordenstreng, K. (2004), *Globalizing media ethics? An assessment of universal ethics among international political journalists*, *Journal of Mass Media Ethics* 19(1), 3-28
- Dirlik, A. (2005), *The postcolonial aura: Third world criticism in the age of global capitalism*, in Desai, G. & Nair, S., (eds), *postcolonialisms* (pp. 561-588), Oxford: Berg.
- Donagan, A., (1977), *The theory of morality*, Chicago, v3: University of Chicago Press
- Donaldson, T., (1992), *Kant's global rationalism*, In nardin
- Gikandi, S. (2005), *Globalization and the claims of postcoloniality* , In Desai , G. & Nair, S. (eds) *Postcolonialisms*, (pp. 608-634), Oxford: Berg.
- Harvey, D., (2005), *A brief history of neoliberalism*, Oxford: Oxford University Press.
- Holmes, David (ed) (2001), *Virtual Globalization, Virtual Space/tourist spaces*, Routledge *Advances in sociology*.
- Nussbaum, M. C. (1996), *Patriotism and cosmopolitanism*, In J. Cohen, (ed), *For love of country: Debating the limits of patriotism: Martha C. Nussbaum with respondents* (pp. 3-17), Boston : Beacon Press.

- Nussbaum, M.C. & Faralli, C. (2007), On the new frontiers of justice, A dialogue, *Ratio Juris*, 20(2), 145-161
- Said, Edward, (1978), *Orientalism*, Pantheon Books.
- Said, (2001), *Traveling Theory*, In M. Bayoumi and A. Rubin (ed), *The Edward Said reader*, New York: Vintage.
- Shome, R. (2006), *Interdisciplinary research and globalization Communication: Charting the terrain, engaging the intersections*, *Communication Review*, 9(1), 1-36
- Sparks, C. (2007), *Globalization, development and the mass media*, London, Sage.
- Shutte, A. (2001), *Ubuntu: An ethic for a new South Africa*. Pietermaritzburg: Cluster Publications.
- Venn, C. (2006), *The postcolonial challenge-toward alternative worlds*, London: Sage.
- Ward, Stephen & Wasserman, Herman, (eds), (2010) *Media Ethics Beyond Borders*, Routledge.